

آموزش سیستماتیک و تفکر محور

مطالعه موردی: مؤسسه مطالعات راهبری علوم و معارف اسلام

حجت الاسلام والمسلمین عبدالحمید واسطی

مؤسسه مطالعات راهبری علوم و معارف اسلام، مجموعه تحقیقات آموزشی فرهنگی با هویت حوزوی است. این مؤسسه در وهله نخست، هویت تحقیقاتی پژوهشی و سپس هویت آموزشی و بعد هویت فرهنگی دارد. البته این تدریج نه از این باب که کار فرهنگی تبلیغی کاری است که رتبه‌اش پایین‌تر است؛ بلکه سررئیر و نتایج تحقیقات باید در آموزش بیاید و بعد نتایج آموزش متمرکز در فضای فرهنگی تبلیغی بشود.

باوری که در این مؤسسه فعال است، این است که اگر ما بتوانیم آموزه‌های دین را به صورت سیستم‌ها، نظام‌ها، مدل‌ها، عرضه کنیم به طوری که قابل رقابت باشد با سیستم‌ها، مدل‌ها، نظام‌های بشری، در این صورت توجه بشریت به سمت اسلام فعال می‌شود و برتری آموزه‌های اسلام حاصل می‌شود و این برگرفته از فرمایش راهبردی امام همام است که فرمودند: «لو علم الناس محاسن کلامنا لا تبعونا».

بر اساس این هویت یک هدف مرکزی در مؤسسه طراحی شده و آن طراحی سیستم‌های دینی است؛ اما به صورتی که قابل رقابت با سیستم‌های بشری باشد. قابل رقابت منظور این است که کسانی که با ادبیات دینی آشنا نیستند، فضای بین‌المللی، چه در جامعه خودمان و چه در کل جهان، آنهایی که با ادبیات دینی اسلام آشنا نیستند ما محصول خودمان را، آموزه‌های خودمان را طوری عرضه کنیم، با زبانی بگوییم که او بتواند بین آنچه خودش دارد با آن چیزی که ما عرضه می‌کنیم، تطبیق بدهد. اگر قرار است ما سیستم آموزشی عرضه کنیم، باید به زبان جهانی عرضه کنیم. مثلاً در یونسکو متخصصان و طراحان و برنامه‌ریزان آموزشی برای ارتقا و بهبود آموزش در جهان طرحی برای هزاره سوم ارایه کردند، و ما نیز باید طرح‌مان را طوری بیان کنیم که مخاطبان آن مجمع عمومی (یونسکو)، حرف‌های ما را با ادبیات خودشان درک کنند و برتری این را در مقایسه بیابند.

استراتژی نبرد نرم

کلیدواژه‌های پشت‌صحنه این هدف هم بحث کانون تفکر و تصمیم‌سازی و نبرد استراتژی است. ما دقیقاً در فضای جنگ نرمی که قرار داریم صرفاً هدف آماج ضد اخلاقی هستیم. و اصلی‌ترین وضعیتی که در جنگ نرم علیه ما فعال است، آن حیطه نظام‌سازی و سیستم‌سازی است. قرارگاه آنها دقیقاً مستقر شده است و باید به هوش باشیم. ما الآن در جامعه‌ای داریم زندگی می‌کنیم که مدعی دین‌داری هستیم؛ اما سیستم‌هایی که آنها طراحی کرده‌اند کاملاً در فضای غیردینی است و آن را به تمام نقاط دنیا سرایت داده‌اند و همان دارد پیاده‌سازی می‌شود.

از طرف دیگر، عده‌ای از متدینان را می‌بینیم که بسیار هم فعال‌اند و می‌خواهند جامعه را مدیریت دینی بکنند؛ اما در عمل چه اتفاقی می‌افتد؟ سیستم آموزشی ما، سیستم بهداشتی، بیمه، گمرک، رسانه، هنر و امنیت ما همه اینها بر اساس تجربیات بشری دارد رقم می‌خورد؛ یعنی متدینانی هستیم که در صحنه اجتماعی توی سیستم‌های بشری داریم زندگی می‌کنیم.

روش تحقیق مدل‌ساز

بر اساس آن هدف راهبردی، یک سری اهداف در سه محور تحقیقات آموزش و فرهنگی تعریف شده است و همین‌طور در سه محور روش و موضوع و مبنا؛ یعنی اگر کسی گفت شما بخواهید سیستم‌سازی و طراحی سیستم‌های دینی داشته باشید بر چه مبنایی می‌خواهید این کار را انجام دهید و با چه روشی می‌خواهید این کار را انجام دهید و چه موضوعاتی را می‌خواهید کار کنید؟

در حوزه روش‌ها این موارد را ما پیگیری کردیم: روش تحقیق شبکه‌ای که منجر به مدل‌سازی بشود. روش‌های تحقیق انواع مختلف‌اند، ظرفیت‌های مختلفی دارند، در فضای فعلی ما آن روش تحقیق خیلی وقت‌ها منصرف شده و روش جمع‌آوری اطلاعات. کاری که اینجا پیگیری و تولید شد، بحث روش تحقیق مدل‌سازانه است. روش تحقیقی که منجر به تولید علم و مدل‌سازی بشود، نه جمع‌آوری اطلاعات. تولید اطلاعات، آن‌هم به‌گونه‌ای که به شکل سیستم، به شکل یک مدل عملیاتی بتواند دربیاید. با چه روشی این کار را انجام دهیم؟ در کتاب روش تحقیق سعی شده این عرضه شود.

روش تحصیل مهارت‌محور

دومی روش تحصیل مهارت‌محور است. چون هویت حوزوی داریم، مؤسسه بر روی آموزش در حوزه متمرکز شده و اینکه طلبه‌ها چگونه باید تحصیل کنند تا تحصیل‌شان منجر بشود به اینکه بتوانند آموزه‌های دین را در قالب سیستم‌ها و مدل‌ها عرضه کنند. شاخص‌های یک آموزش اثربخش چیست؟ این هم تحت عنوان راهنمای تحصیل در حوزه به کتاب تبدیل شد. یک قسمت انتهایی کتاب پنجاه صفحه‌اش بحث شاخص‌های کارآمدی یک طلبه است که در علوم مختلف باید چه شاخص‌هایی را به دست بیاورد.

جزو سیاست‌های اصلی مؤسسه که تلاش هم می‌کنیم حتماً مواظبت بشود این است که ما به‌هیچ‌عنوان رقیب جایی نباشیم؛ بلکه نقش مکمل داشته باشیم. از ابتدا چه اینجا، چه قم، چه جایی دیگر. آن چیزهایی که سازمان‌ها، مراکز و نهادهای مختلف دارند، زحمت می‌کشند، دارد انجام می‌دهد در همان روال و از همان آثار استفاده بشود. قسمت‌های تکمیلی که جایی اگر نقصی به نظر می‌آید، آن قسمت‌ها برایش متن درست بشود، کارگاه آموزشی درست بشود، کار ترویجی نسبت به آن صورت بگیرد.

روش تدریس کارگاهی

سوم روش تدریس کارگاهی است. روش‌های تدریس در فضای چه حوزه، چه دانشگاه و چه مدارس، همه‌اش حافظه‌محور است، در فضای حوزه ترجمه متن است. اینها باید تبدیل بشود به بحث روش که روش فعال‌کننده ذهن طلاب باشد. افراد سر کلاس که می‌نشینند مسئله دریافت کنند. تفکر کنند. بحث و گفتگو کنند. نظری را که با تفکر به دست می‌آورند با نظر کتاب که به‌عنوان منبع و متن است مقایسه و اصلاح کنند. استاد باید بتواند این فعال‌سازی را انجام دهد. این هم تبدیل به کتاب شد، هم مبنا و هم روش آن. کتاب راهنمای تدریس که براساس این هم کارگاه برگزار می‌شود. پیشنهادی است که جاهای مختلفی هم پیگیری کرده‌اند، استقبالی کرده‌اند و مقداری که عمل کرده‌اند، در محیط‌شان اثرگذار بوده است.

۴. تفکر شبکه‌ای

اگر قرار است تولید علمی صورت بگیرد چه در روش تحقیق و چه در روش تحصیل و چه در روش تدریس، چه در طراحی سیستم‌ها، با چه مبنای فکری‌ای باید انجام بشود. ما چگونه فکر کنیم تا یک علمی تولید بشود؟ چگونه فکر کنیم تا بتوانیم یک مدل عرضه کنیم. بحث روش تفکر اینجا پردازش می‌شود.

۵. روش تصمیم‌گیری الگوریتمی

کلمه الگوریتم یعنی مرحله‌به‌مرحله. شروع از یک نقطه که مسئله است، بعد تعیین مرحله‌به‌مرحله حرکت با خصوصیات هر مرحله برای رسیدن به پاسخ حرکت و پاسخ آن مسئله. تصمیم‌گیری الگوریتم یعنی ما به‌جای اینکه تصمیم‌گیری‌هایی که عموماً همه ما ناخودآگاه داریم، یک محاسباتی می‌کنیم ولی آن محاسبات ناخودآگاه است تبدیل به تصمیم‌گیری خودآگاه بشود؛ مثل منطق.

همه ما منطقی هستیم، استدلال می‌آوریم، خیلی اوقات فرد مقابل که استدلال می‌کند بدون اینکه اصلاً مغالطه خوانده باشیم می‌گوییم اینجا دارید اشتباه می‌کنید، دلیلش را می‌گویید. ولی منطقی حرفه‌ای کسی است که عملیات استدلال و کشف مغالطه را از ناخودآگاه به خودآگاه تبدیل کرده است.

لذا تمام مواردی را که فرد عادی ممکن است نبیند، او می‌بیند و جاهایی که این فرد عادی از عهده ممکن است برنیاید، از عهده او برمی‌آید.

چرا اصلاً بحث تصمیم‌گیری مطرح است؟ چون تمام علم برای این است که به عمل منتهی بشود. علم اگر از دستگاه تصمیم‌گیری انسان نتواند عبور کند، به عمل منتهی نمی‌شود. لذا حلقه اصلی اتصال علم و عمل با هم نظام و دستگاه تصمیم‌گیری انسان است. باید ببینیم چگونه تصمیم بگیریم. این بسیار حیاتی است.

قسمت بعدی در حوزه موضوع‌شناسی و نقشه جامع موضوعات و مسائل است.

اگر ما قائل هستیم که دین زندگی بشر را در مقیاس جهانی، آن‌هم در همه جوانب زندگی مدیریت می‌کند، اولین سؤالی که بعد از بحث اثبات این مطلب به دست می‌آید و حاصل می‌شود این است که جوانب مختلف زندگی چیست؟ حوزه‌های مختلف چیستند؟ معمولاً چهار یا پنج تا را ما ردیف می‌کنیم: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی؛ اما این نرخ فضای ادبیات رسانه‌ای است. ولی همین‌که بحث علوم انسانی اسلامی مطرح می‌شود هفت تا ده رشته است، اینها را می‌خواهیم از منظر دین بررسی کنیم که آیا فقط همین است؟

نظام موضوعات و مسائل زندگی نقشه زندگی از جنس مسئله‌ها؛ یعنی انسان در زندگی‌اش دارای چه لایه‌ها، چه مراتب، چه ابعادی است؟ هرکدام از این لایه‌ها، مراتب و ابعاد چه فهرستی از مسائل را باید راجع به آن پاسخگو باشد؟ بیش از ۴۰ سیستم اصلی و ده تا زیرسیستم، ده تا ابرساختار در شکل‌گیری یک تمدن، فعال هستند. یکی از پژوهشگاه‌هایی که به این بحث راهبردی می‌پردازد اندیشکده یقین در تهران و یا آن مرکز دکترینال بین‌المللی بدون مرز هستند که می‌گفتند ما نزدیک به ۶ هزار موضوع و مسئله در فضای زندگی داریم.

در قسمت سوم در حوزه مبنا اگر کسی گفت شما براساس چه مبنایی می‌گویید دین قدرت سیستم‌سازی دارد، یا باید سیستم‌سازی بکند، سعی کردیم این سنخ بحث دین‌شناسی و دین راهبردی یا استراتژیک را در کتاب نگرش

سیستمی به دین اشاره کنیم. آنجا عرض کردیم اگر مبناسازی بشود که دین قدرت سیستم‌سازی دارد، مدل‌سازی می‌کند، نمونه‌هایی هم آنجا گفتیم مانند بحث نان در اسلام که به‌عنوان یک پروژه انجام و کتاب آن هم منتشر شد.

مدل توسعه و پیشرفت

در محور تحقیقات مباحثی که در قبل مشاهده کردید، زیرساخت‌های علمی- معرفتی مؤسسه بود که اگر بخواهد به آن هدف برسد باید مبناسازی کند، روش‌سازی کند و نقشه درست کند. حالا این کارها را که انجام داده می‌خواهد به چه سمتی حرکت کند. محور تحقیقات این مواردی را که عرض شد، بحث مدل توسعه و پیشرفت است که از سه سال پیش این مدل توسعه و پیشرفت کلید خورد، نسخه اول آن هم منتشر شد، برای برنامه پنجم توسعه هم پیگیری شد، در جلسات مختلفی چه در هیئت دولت، چه در مجلس و چه در سازمان معاونت راهبردی برنامه‌ریزی ریاست جمهوری عرضه شد. کارشناسان مختلف از قم، تهران، افراد حوزوی، افراد دانشگاهی مطالبی در کارگاه‌های مختلفی ارائه شد. محصول اینها الآن در مؤسسه تحت عنوان «پک‌های تحقیقاتی» آماده‌سازی شده برای عرضه. مدل توسعه اهمیتش هم این است که ما تا مثل آن پازل که کنار هم تیکه‌ها را می‌چینیم، روی یک تخته‌ای، این تخته اینها را به هم وصل می‌کند و نگه می‌دارد، مدل توسعه و پیشرفت خصلتش این است. در حقیقت آن نقشه راه توسعه خواهد بود.

شماره دوم، طراحی سیستم‌های زندگی است که یک برنامه ده‌ساله تعیین شده است.

سوم، منابع درسی حوزوی است. ما کل کارمان متمرکز روی فضای حوزه است. هویت حوزوی داریم. در فضای حوزه هم که پیگیری شد، دیدیم جایی که اگر تغییر نکند، هرچه استاد، هرچه شاگرد، هرچه معاون آموزشی مدرسه، هرچه خود مرکز مدیریت تلاش بکند باز آن تلاش ابر می‌ماند، منابع درسی‌اند. منابع درسی تا بهینه‌سازی نشوند، بقیه موارد حلقه‌هایش به هم وصل نمی‌شود؛ و از آن طرف اگر یک منبع درسی و متن درسی بهینه‌سازی بشود استاد مجبور است خودش را با این هماهنگ کند، شاگرد خودش را با این هماهنگ کند، معاون آموزشی و سیستم آموزشی خودش را با این هماهنگ کند. مقصود ما از بهینه‌سازی عملیاتی که اجرا شده تا به حال نیست که تلخیص و حذف قسمت‌های تحلیلی کتاب‌ها است. مقصود این نیست.

بلکه مقصود این است که همین کتاب موجود، بدون اینکه از متن آن چیزی کم و کاست بشود، به‌صورت پاورقی موضوع‌شناسی و مدل‌سازی و سیستم‌سازی در آن درس به آن اضافه بشود. مثل کتاب «نحو الوافی» که متن بالایش برای کسانی است که دانشجوی ادبیات عرب هستند و متن پایش که توضیحات تفصیلی تخصصی است برای اساتید است. متون درسی را با این دید تولید منابع درسی حوزه با قابلیت ایجاد کاربردی کردن دین و سیستم‌سازی در دستور کار مؤسسه است. نمونه‌ای از این کار در لمعه و نمونه‌ای هم در مکاسب محرمة انجام شده است. هم فایل‌هایش موجود است و هم مکاسب و محرمة در مدرسه نواب در سال گذشته تدریس شد. سی‌دی‌های تصویری‌اش هم برای عرضه در مؤسسه موجود است.

و چهارم بسته‌های آموزشی عمومی به‌صورت روش آموزش کارگاهی در زمینه معارف اسلام است. این بسته‌های آموزشی مختص حوزه است؛ زیرا وظیفه فرهنگی- تبلیغی حوزویان همین است. اینکه به‌صورت عمومی

ذکر می‌شود مقصود این نیست که محتوا یا سطح محتوا، یک سطح پیش‌پافتاده باشد. بلکه مقصود این است که ما بتوانیم معارفی را که در منابع داریم به زبان مخاطب به‌طوری که تغییر در آن ایجاد شود به‌طوری که تصمیم جدید بگیرد منتقل کنیم. انتقال‌های حافظه‌ای کتابی صرف، حس فرد را فعال می‌کند ولی از مجلس که بیرون می‌رود کمتر افراد حس و حال خودشان را نگه می‌دارند.

مجالس فرهنگی تبلیغی ما مجالس حس‌محور است و باید تبدیل شود به حس به‌علاوه تفکر‌محور. تفکر افراد را فعال کنیم.

در محور آموزش دو تا هدف اصلی تعیین شده است. سعی کرده‌ایم در برنامه‌ریزی مؤسسه از آرایه فهرست بلندبالایی از اهداف و راهبردها و غیره اجتناب کنیم. یعنی کار با حداقل‌های قطعی ضروری اولویت‌دار انجام شود تا تمام نیرو بر روی او متمرکز شود زیرا این اگر به دست بیاید بقیه مراحل هم طی خواهد شد.

اولویت در محور آموزش، بحث تربیت مدرس و محقق حوزوی است. در یک شبکه زندگی، شبکه اجتماعی نخبگانی، هر تغییری که می‌خواهید بکنید، ما یک حالت هرم‌مانند داریم، چیزی که شرکت‌های هرمی از منطقتش برای مقاصد خودشان سوءاستفاده کرده‌اند. درحالی‌که ما در فضای فرهنگی تبلیغی، جنگ نرم، اگر بخواهیم دست بالا را داشته باشیم باید این حالت هرمی را داشته باشیم که ما بتوانیم لایه اولی را، گروه‌های حلقه‌های معرفت، گروه‌هایی که در فضای حوزه قدرت انتقال مطالب به بقیه را دارند، آنها تحت‌پوشش قرار بگیرند. آنها باید به‌صورت شبکه‌ای بقیه را تحت پوشش قرار دهند.

از این منطبق عرضه معارف به‌صورت هرمی استفاده شد و روی تربیت مدرس و محقق حوزوی متمرکز شد. کلاس‌ها و کارگاه‌هایی هم که برگزار می‌شود، جهت تربیت مدرس است.

دوم، برگزاری و برنامه‌ریزی کارگاه‌های آموزشی برای مراکز علمی فرهنگی مدیریتی است.

ما سعی کردیم که اگر قرار است معارف کاربردی بشود، برنامه هم کاربردی تعریف شده باشد. لذا برای تصمیم‌گیران، بسته‌های برنامه‌ای با مشاور تعریف کردیم. گروه تصمیم‌گیر هم شامل سیستم آموزشی، سیستم ورزش، تصمیم‌گیر در سیستم رسانه، در سیستم اقتصادی، در سیستم شهرداری و سپس در سیستم خانواده است. اینها را خودتان هم که دستی در کار دارید و لمس کرده‌اید و افرادی که مسئولیتی می‌گیرند و با آدم‌های متدین سروکار دارند، بلافاصله سراغ مشاوران حوزوی می‌آیند و می‌گویند ما می‌خواهیم برنامه‌ای مرتبط با دین و ایمان پیاده کنیم و الآن یک ظرفیت و توانی داریم چکار کنیم. همه‌جا این فضا فعال است. آنها می‌گویند به ما فقط برنامه بدهید و کاری بکنیم که نظر خدا پیاده شود. اینکه چه برنامه‌ای پیاده شود و اینکه مشاوران کنار این برنامه باشد تا هم برنامه را توضیح دهد و هم چگونگی پیاده‌سازی‌اش را بتواند با مجریان همراهی بکند، خروجی اول و خروجی دوم برای مراکز علمی فرهنگی همین بسته‌های آموزشی با استاد است.

الآن کارگاه‌هایی تحت عنوان «نگرشی دیگر» تولید شده است؛ مانند: نگرشی دیگر به مهدویت، نگرشی دیگر به زیارت، نگرشی دیگر به حجاب، نگرشی دیگر به امر به معروف و نهی از منکر، نگرشی دیگر به وقف، نگرشی دیگر به مصیبت و بلا، اینها جزوه آموزشی‌اش منتشر شده، استادش هم آموزش داده شده، دو سال است که

بیست تا استان در سراسر کشور اینها کارگاه‌های تربیت مربی برای برگزاری خود این جزوات آموزشی برگزار می‌کنند.

یک نکته مهم دیگر، بحث به وحدت‌رساندن کثرات و تجلی‌دادن وحدت بر کثرات است. این صرفاً از باب اصطلاح علمی نیست. غنای مؤسسه براساس عرفان شیعی فقهاتی است. مشی و مرامی که مرحوم قاضی، علامه طباطبایی و شاگردشان علامه تهرانی که معرف حضور سروران است و این مجموعه شاگردان ایشان هستند، سعی کردیم، عرفان را بر مشی و مرام عرفان شیعی و مرام عرفان شیعی فقهاتی در این مدل‌ها پیگیری کنیم. علامه طباطبایی در المیزان می‌فرمایند اگر روح کلی قرآن را بخواهیم در یک کلمه بیان کنیم توحید است؛ و آن توحید به آن فعال‌سازی حس حضور خدا برمی‌گردد. این فعال‌سازی با قسمت‌های مختلف در سیستم‌های زندگی چطور باید انجام شود. ما دنبال پیاده‌سازی این هستیم.

این مواردی که مشاهده می‌فرمایید تولیداتی است که در مؤسسه به صورت کتاب انجام شده است. نمونه مقالاتی شاید فهرستش ۳ یا ۴ برابر اینها است، کارهایی که انجام شده، مقالات از دو سال پیش در مجله مؤسسه که مجوز رسمی دارد منتشر شد. عنوان مجله هم «مطالعات راهبردی معارف» است. در برنامه‌ای ده‌ساله، سه شماره اولش به حوزه و آینده اختصاص پیدا کرد و سه شماره بعدی مرتبط با حوزه و تمدن بود.

سعی شد که مخاطب حوزوی باشد، با همین دید که آن مواردی را که احساس می‌شود یک طلبه اگر به آنها توجه کند، کارآمدتر می‌شود آن را در مجله بیاریم.

همچنین سعی شد، مؤسسه حالت رقابت با جایی نباشد؛ بلکه کار تکمیلی صورت بگیرد. جلسات، همایش‌ها، اجلاس‌هایی برگزار شده و می‌شود، با یک همچنین عناوینی، پشت‌صحنه هستی‌شناسانه این بحث سیستم‌های دینی و قدرت ... بر مدیریت زندگی جهانی بشر، پشت‌صحنه‌ای که دین زیرساخت توحیدی دارد و همه با هم شبکه و به هم متصل هستند.

کارگاه‌ها دوره‌های مختلفی در این مدت برگزار شده و می‌شود، تقریباً بیش از ۸۰ درصدش متمرکز بر فضای حوزوی است و در فضای معرفتی شکل گرفته است. کارگاه‌های نگرشی دیگر که عرض کردم این مواردش که مشاهده می‌کنید در اینجا تولید شده است، حاضر است، منتشر شده است، دارد اجرا می‌شود. بیش از ۱۰ هزار نفر این کارگاه‌ها را در این مدت گذرانده‌اند و الآن بیش از ۱۰۰ نفر در ۲۰ استان مریانی هستند که این کارگاه‌ها را بتوانند آموزش بدهند.

در برنامه ۱۰ ساله آینده این موارد در برنامه است و سعی شد دقیقاً نسبت به مطالب طلاب در حوزه، حالت تکمیلی داشته باشد. کتاب «زبان‌شناسی کاربردی» برای دوره ادبیات‌خوانی حوزه بسیار ضروری است. افراد الآن در حوزه دوره ادبیات‌شان را با سختی، با حفظ‌کردن دارند جلو می‌برند. تحلیل‌ها خیلی اوقات برایشان ملموس نیست؛ درحالی‌که با یک خواندن زبان‌شناسی، منطق تحلیل‌های ادبیات دستشان می‌آید. درست مثل کسی که اصلاً منطق نخوانده است، بخواهد کلام یا فلسفه بخواند. تحلیل‌های کلامی و فلسفی برایش ملموس نخواهد بود. عین این در فضای ادبیات نسبت به زبان‌شناسی است.

دوم منطق کاربردی است که قید کاربردی‌اش برای آن دو قسمتی که در اسلاید مشاهده می‌کنید. ما در منطق مثل ادبیات باید مهارت تجزیه و ترکیب داشته باشیم. یک گفتار، یک مقاله وقتی به کسی داده می‌شود می‌گوییم این یک صفحه را بلافاصله به قیاس منطقی، مدعا کجاست، استدلال چیست؟ در استدلال صغری و کبری حد وسطش چیست؟ شرایطش رعایت شده است یا نه و چه نتیجه‌ای گرفته شده است؟ این نتیجه بلافاصله می‌تواند تحلیل کند و اینکه مهارت مدل‌سازی و نظریه‌پردازی داشته باشیم. نظریه‌پردازی جایش کجاست؟ روش تحقیق در فضای علوم جایش کجاست؟ جایش در منطق است. اساتید منطق هستند که باید روش تحقیق بگویند. منطق روش تحقیق است. وقتی که می‌گوییم چطوری تعریف کن، چطوری استدلال می‌کنم. در حقیقت روش کشف واقعیت است و کار منطق.

سوم تعریف کتاب آموزشی دین‌شناسی در دو واحد که خیلی جالب هست، وقتی که بررسی می‌کنیم می‌بینیم که ما طلبه‌ها راجع به مسائل دین، مطلب می‌دانیم اما راجع به خود دین جایی آموزش نمی‌بینیم. مثل فردی که در جنگل بزرگ شده است، تمام درختان را دانه به دانه می‌شناسد. ولی وقتی به او می‌گوییم در جنگل هستی و این جنگل نسبتی با کوه و دشت و دریا دارد، می‌پرسد که جنگل کجاست؟ از بیرون به آن نگاه نکرده‌ایم.

مورد بعدی بحث تدوین آموزشی کتاب‌های درسی؛ اعم از فقه و اصول و فلسفه با همان رویکردی که مثل نحو الوافی عرض کردم است. از میان اینها کتاب آموزشی عرفان شیعی هم مهم است. ما کتاب درسی عرفان شیعی نداریم. هرچند کتاب درسی عرفانی که داریم کتاب‌هایی هستند که در سطوح عالی‌تر خوانده می‌شود. در درس‌ها فلسفه و کلام است ولی بحثی از عرفان نیست و عرفانی شیعی فقهاتی که در حقیقت جوهره اصلی دین است حتماً یک کتاب درسی باید داشته باشد، کتابش تدوین شده است. امیدوار هستیم که زودتر به بازار بیاید.

ششم، دفترچه‌های تمرین است. این دفترچه‌های تمرین به هیچ‌عنوان تمرین‌های حافظه‌ای نیست. این را تعریف کنید، اقسام این را بگویید نیست. همه‌اش مهارتی است؛ یعنی مسئله دریافت می‌کند. مسئله فقهی اصولی، مسئله منطقی، مسئله ادبیاتی، مسئله تفسیری و آن مسئله را با استفاده از اطلاعات کتاب باید حل و فصل کنیم.

مورد بعد، طراحی سؤالات امتحانی مهارت‌محور است که یک سال هم در حوزه برای اساتیدی که می‌خواستند تمام وقت در مدارس جذب بشوند اجرا شد. ما دائم به معاونت آموزش حوزه می‌گفتیم سؤالات امتحانتان را مهارت‌محور طراحی کنید. آن سال گفتند شما سؤالات این اساتیدی را که می‌خواهید برای تمام وقت جذب کنید طراحی کنید. سؤال اصولش این بود که منطق اجتهاد را براساس کتاب اصول فقه مظفر، قدم به قدم بنویسید. امتحانش هم کتاب باز بود؛ یعنی گفتیم هر کتابی، مقاله‌ای، اصلاً در کتابخانه برگزار شود. هر جا که مایلند استفاده کنند. علم اصول را خوانده‌اند، علم اصول را می‌خواهند تدریس کنند. علم اصول برای چیست؟ برای اینکه فرد بداند چطور باید استنباط کند. در منطق استنباط‌تان را بگویید. یا برای سؤال فقهی از آنها خواستیم که یک وقف‌نامه بنویسید. کتاب وقف لمعه را در اختیارشان قرار دادیم و گفتیم شما که تدریس هم دارید، یک وقف‌نامه بنویسید. نوشتن یک وقف‌نامه یا یک اجاره‌نامه که این موجد است این مستأجر است این هم زمان است کار خاصی نیست و

همه می‌توانند انجام دهند؛ لیکن صحبت سر این است که وقف‌نامه‌ای با شرایطی باشد که هیچ‌گونه اختلافی وجود نیاورد. اجاره‌نامه‌ای که پیشگیری، پیش‌بینی تمام حقوق و اختلافات احتمالی برایش شده باشد. هشتم کتاب معارف دانشگاه است. اگر سروکاری دارید با آن بحث‌ها می‌دانید که الآن وضعیت گروه و کتاب‌های معارف در دانشگاه‌ها از حیث نحوه برخورد دانشجویها و اساتید غیرروحانی که سر کلاس‌های این شکلی می‌نشینند، چگونه است. اگر سروکار دارید می‌دانید، وضع چیست! حتماً باید یک بازسازی بشود تا بتوانند آموزه‌هایی را در زندگی دینی استفاده کنند.

بحث نهم، ترجمه بلاغی است. ترجمه‌های قرآن و ادعیه را ملاحظه می‌کنید. ترجمه‌ها عموماً تحت‌اللفظی است و ترجمه روان نیست. در روان‌سازی‌اش هم که انجام می‌شود حداکثر ترجمه نحوی است؛ یعنی یک جمله ساخته شده است. خصلت‌های بلاغی در آن نیست. خصلت‌های بلاغی معجزه قرآن است. بلاغت بحث ایجاد احساسی است که متکلم می‌خواهد در مخاطب ایجاد بشود؛ و ما وقتی آیات را در آیات عذاب، آیات بهشت، آیات معرفتی اینها را برخورد می‌کنیم یک تصور ذهنی داریم؛ اما اینکه اینها را عرب‌ها در زمان خطاب می‌شنیدند، مستقیم مخاطب پیامبر بودند یا مخاطب ائمه بودند و لرزه بر اندامشان می‌افتاد و «یتفیض ائینهم من الدمع و ما عرفوا من الحق» آن‌طور درک و دریافت می‌کردند که اشک از چشمانشان جاری می‌شد، اینها را ماها نداریم، چرا؟ چون روی بلاغت قرآن، بلاغت نهج‌البلاغه، بلاغت صحیفه، روی ترجمه کار نکردیم. ترجمه‌ها یا صرفی است یا نحوی. بلاغی نیست.

شماره دهم، شاخص کنترل کیفیت است. این بحث توضیح زیادی دارد و هنوز هم رویش کار زیادی انجام نشده است. خیلی اجمالی یک مثال بزنم. مؤسسات و مراکز الآن دنبال گرفتن استاندارد کیفیت یا ایزو هستند. ایزوی ۲۰۰۱. ایزوی ۱۰، ۱۰۰، ۱۵ در آموزش. شماره‌های مختلفی، کالاها را می‌بینید مارک‌های مختلف می‌گذارند. اینها شاخص‌های کنترل کیفیت کالا است. ما این شاخص‌های کنترل کیفیت را که برمی‌گردد فرآیندهای سازمانی که چطوری باید انجام شود تا کمترین هزینه و بیشترین منفعت را داشته باشیم آموزه‌ها فراوان داریم. ولی به صورت یک مدل، یک سیستم، یک بسته کنترل کیفیت ارایه نشده است؛ مثلاً برای خانواده ما ایزو تعریف می‌توانیم بکنیم. می‌گوییم خانواده باکیفیت، خانواده‌ای است با این شاخص‌ها و اینها چیزهایی است که در دنیا انجام نشده است و می‌توانیم بحث «برتر» را داشته باشیم. در سازمان‌های انجام دادند و خیلی هم فعال‌اند. ولی در فضای خانواده این‌طوری نیست.

در ترجمه‌ها نمونه داریم الآن که وقتی بخواهیم بگوییم وقتی بخواهیم کاری انجام شود این نمونه‌های را عرضه می‌کنیم. زیارت امین‌الله، سوره نبأ، نمونه‌اش تولید شده است. چندتا چهل‌حدیث تولید شده با این ترجمه‌های بلاغی و منطقی ترجمه بلاغی باید انجام شود. در برنامه ده‌ساله است که در اولویت یک قرآن و به همین ترتیب بقیه همه‌اش ان‌شاءالله انجام شود.

در قسمت آموزش در برنامه ده‌ساله آینده، مواردی که می‌بینیم آن موردی هم که عرض کردم، کارگاهی چهل‌گانه است. این عناوین چهل‌گانه را مشاهده می‌کنید. هر سال طبق برنامه مؤسسه ۴ تایش باید تولید شود.

مواردی که با زندگی مردم درگیر است. افراد باید بتوانند این آموزه دینی را در زندگی‌شان عملاً پیاده کنند. وقتی می‌گوییم توکل داشته باش، یعنی چکار کنند. وقتی می‌گوییم در زندگی باید صبر کنیم، این صبر غیرازاینکه حس اولی که فشار بیاور روی خودت، تمایل خودت را جلوگیری کن، غیرازاین اگر پرسید چگونه همین کار را انجام بده ما بتوانیم پاسخ دهیم.

به تعبیری دیگر فضای عمومی جامعه‌مان، در شهرها، همیشه نواحی حاشیه‌ای هستند که به علل مختلفی آن اصول اولیه به ایشان نرسیده است. ولی الآن با فضای رسانه‌ای که فعال است عموماً یک اصول اولیه‌ای را دارند، چگونگی‌ها ابهام دارد. چستی‌ها و چرایی‌ها دائم از طرف حوزه ارایه شده، چگونگی‌ها کمتر ارایه شده است. لذا می‌بینید طرف اگر وسواس دارد می‌آید از من روحانی سؤالی می‌کند من هم یک سری توضیحاتی برایش می‌دهم. شاید هم حرفی نزنند و ساکت شود و برود؛ ولی عملاً وسواسش برطرف نشده و می‌رود یک کلینیک مشاوره روانی و آنجا دستورالعمل به او می‌دهند و همراه می‌رود، دوباره با آن مشاور کارش را ارزیابی می‌کند. به تدریج وسواسش برطرف می‌شود. اگر مواظب نباشیم همان‌طوری که خیلی از مواردی که مربوط به حوزه بود مثل دین، زندگی را مدیریت کند. الآن متخصصین علوم بشری نشستند بقیه موارد هم این اتفاق در آن خواهد افتاد.

درنهایت چشم‌انداز مؤسسه امیدوار هستیم به حول قوه الهی در ده سال آینده یک کانون تفکر باشد. خصلت کانون تفکر این است که برنامه‌های راهبردی تولید می‌کند. طوری تولید می‌کند که تصمیم‌گیر بتواند روی برنامه قضاوت کند. برنامه‌های مشابه را کنار هم بگذارد. برتری این برنامه را نتیجه بگیرد. یک کانون تفکری باشد که این ده مورد در آن فعال است.

چه بحث سیستم‌های دین، چه آموزش اثربخش، کتب درسی مکمل، برنامه‌های تحقیقاتی، اساتید فعال و فعال‌ساز و بسته‌های آموزشی که در این پنج سالی که از تشکیل مؤسسه (۱۳۸۵) می‌گذرد به نسبت زیادی در به دست آمدن این چشم‌انداز خدا توفیق داده است و مواردی حاصل شده است.

سخن اولمان را دوباره در آخر نه برای تیمن و تبرک بلکه برای اینکه برای خدا سخن بگوییم و به خدا بشنویم و به خدا نفس بکشیم و به سمت خدا حرکت کنیم خودمان، خانواده‌مان، جامعه‌مان همه حس حضور خدا را فعال بشود از خان امیرالمؤمنین بهره‌برداری می‌کنیم. «اذا من كان له مقصدٌ غير الله»